

پیشگفتار

از رفته قلم هیچ دگرگون نشود
وز خوردن غم به جز جگر خون نشود
گر در همه عمر خویش خونابه خوری
یک قطره از آن که هست افزون نشود
(خیام)

از ده تا هجده سالگی در مغازه بقالی به کسب و کار مشغول بودم و بعضی از این سالها مغازه را مستقلاً اداره می‌کردم. مشتریان محدود و مغازه‌ها متعدد بودند و هر مغازه‌داری می‌کوشید که مشتریان را به سوی خود جذب کند. برای من بی‌تجربه فرصتی بود تا یاد بگیرم که چگونه مشتریان را جذب کرد، چه اجناسی باید خرید و به چه قیمت و با چه شرایطی می‌توان آن‌ها را فروخت. در آن سالها مفهوم واقعی خرید، فروش، نقد، نسیه، رقابت، چانه‌زنی، مردم‌داری، دشت‌کردن، دخل، کش و من، کسادبازی بازار، چوب‌خط، خشک‌دست، مگس‌پراندن، سگ‌دو زدن، دفتر روزانه و دفترکل را فهمیدم. همچنین متوجه شدم کسبه با نگرانی از خواب بیدار می‌شوند، روز را طی می‌کنند و شب باز با نگرانی به خواب می‌روند و البته مردم‌دار و معتمد محل و حبیب خدا هستند.

وقتی استادمان آداب تجارت شرح‌لمعه را به ما درس می‌داد نمی‌دانست که ما سال‌های قبل آن‌ها را در کف محل و توی بازارچه فرا گرفته‌ایم. نحوه تدریس استاد شبیه کسی بود که انگار تاکنون هیچ خرید و فروشی انجام نداده است و به حکم تقدیر امروز آداب آن را به ما درس می‌دهد.

به محض ورود به دانشگاه متوجه شدم که حقوق مدنی ملموس‌ترین درس دانشگاه است و به آن علاقه ویژه‌ای پیدا کردم. سال‌ها طول کشید تا دلیل آن را متوجه شوم که

حقوق مدنی ابزار بازار است و من بیش از هر چیزی آن را می‌فهمیدم. گذراندن دو درس اقتصاد خرد و اقتصاد کلان موجب شد که علمی‌تر با مباحث اقتصاد آشنا شوم. تحصیل در دوره دکتری حقوق تجارت بین‌الملل اجبارم کرد که بیشتر در مورد اقتصاد و تجارت و رابطه حقوق با این دو مطالعه کنم.

در یک دهه گذشته که بیشتر به تدریس مباحث حقوق تجارت بین‌الملل و حقوق نفت و گاز مشغول بوده و پایان‌نامه‌ها و رساله‌های متعددی را در این زمینه‌ها راهنمایی و هدایت کرده‌ام، متوجه این موضوع شدم که دانشجویان در مباحث اقتصادی و تجاری آگاهی کمی دارند و این امر روی کیفیت کار آن‌ها در این حوزه‌ها تأثیر منفی می‌گذارد. از طرف دیگر ایران در دهه گذشته شاهد راه‌اندازی رشته‌های متعددی در مقطع کارشناسی ارشد تحت عناوین حقوق اقتصادی، حقوق تجارت اقتصادی بین‌المللی، فقه و حقوق اقتصادی و حقوق مالی-اقتصادی بوده است.

نیاز دانشجویان حقوق، اقتصاد و مدیریت به آشنایی بیشتر با مباحث حقوق اقتصادی و به‌منظور تأمین یک منبع درسی قابل اعتماد برای رشته‌های جدید که بتواند چارچوب رشته حقوق اقتصادی را مشخص کند، موجب شد که نوشتن کتاب حقوق اقتصادی را در دستور کار قرار دهم. مباحث خیلی بیش از آنچه ابتدا تصور می‌شد، نفس‌گیر بود. چندین بار به زمینم زد ولی دوباره با توکل به خداوند سرپا شدم.

بروز اپیدمی کرونا (کووید ۱۹) در جهان از دو جهت بر این کتاب تأثیر داشته است. اول آنکه انتشار کرونا و تعطیلی بسیاری از کسب‌وکارها و بیکاری میلیون‌ها نفر در سطح جهان نشان داد که نظریه‌های متکی به بازار در این شرایط ناکارآمدند و چقدر مداخله دولت برای جبران برخی از این مشکلات ضروری است. تقریباً همه دولت‌ها بسته‌های حمایتی را برای اقشار آسیب‌پذیر خود و پیشگیری از فروپاشی بنگاه‌های کوچک در نظر گرفتند. ترمیم تبعات منفی این اپیدمی بدون برنامه‌ریزی دولت و حمایت از اقشار ضعیف و بنگاه‌های کوچک و متوسط ممکن نیست.

دوم آنکه چون اولین نفراتی که بر اثر کرونا در ایران فوت کردند از قم گزارش شد و همان روز در پردیس فارابی تدریس داشتم، از اول اسفند خودم را قرنطینه کردم. پس بر تکمیل کتاب حقوق اقتصادی و اتمام آن جدیت نمودم. امروز که هنوز معلوم

نیست این آفت تا کی ادامه خواهد داشت، نوشتن کتاب به اتمام رسیده است و ما «رفته‌قلم» را چنین تعبیر کرده‌ایم.

به پاس گرامی‌داشت فداکاری پزشکان، پرستاران و سایر کادر پزشکی و درمانی که در مراقبت از بیماران کرونایی جان خود را از دست دادند، این کتاب به آنان تقدیم می‌شود.

دکتر عبدالحسین شیروی
استاد دانشگاه تهران

مقدمه

مباحث مربوط به ارتباط حقوق و اقتصاد و تأثیر آن دو بر هم در جوامع حقوقی و اقتصادی اهمیت روزافزونی یافته است. حقوق از طریق وضع و اجرای قوانین و مقررات، رفتارهای اجتماعی را نظم می‌دهد و آن را مهار می‌کند. پس حقوق توانایی این را دارد که رفتارهای اقتصادی افراد را در جامعه تنظیم و مدیریت کند و ضمن نظم‌دهی به فعالیت‌های اقتصادی آن را تسهیل و کنترل نماید.

از طرف دیگر رفتارهای اقتصادی مردم تابع قانون عرضه و تقاضاست. زمانی که در بازار برای کالا یا خدمتی تقاضا وجود داشته باشد، تولیدکنندگان برای تولید آن اقدام می‌کنند تا عرضه و تقاضا به نقطه تعادل برسد. بر همین منوال، زمانی که تقاضا برای کالا یا خدمتی افزایش می‌یابد، قیمت آن نیز بالا می‌رود تا جایی که بین تقاضا و قیمت تعادل ایجاد شود. بالا رفتن قیمت کالا یا خدمت به تولید و عرضه بیشتر آن می‌انجامد و این امر قیمت‌ها را کاهش می‌دهد تا حدی که بین عرضه، تقاضا و قیمت تعادل ایجاد شود.

حقوق‌دان به قدرت قوانین و مقررات باور دارد و اینکه می‌تواند رفتارها را کنترل کند و چه‌بسا در ارزیابی میزان تأثیر آن دچار افراط و زیاده‌روی می‌شود. در مقابل، اقتصاددان بر قدرت قانون داخلی و غیرموضوعه «عرضه و تقاضا» تمرکز دارد و اینکه می‌تواند مستقلاً و بدون نیاز به دخالت حقوق، رفتارهای اقتصادی را تنظیم و مهار کند و چه‌بسا در این امر دچار مبالغه می‌شود.

به طور مسلم، قانون عرضه و تقاضا زمانی می‌تواند بازار را کنترل کند که به یک چارچوب حقوقی متکی باشد. قانون عرضه و تقاضا مستلزم شناسایی «مالکیت خصوصی» و «اختیار انجام معامله» است. مالکیت خصوصی مانع می‌شود که کسی بتواند بدون رضایت مالک، دارایی وی را تصاحب کند و اختیار انجام معامله زمینه را برای تبادل اموال بین اشخاص فراهم می‌سازد. همچنین حفظ حرمت اموال و دارایی‌های شخصی مستلزم وجود قوانین و نظام قضایی و اجرایی است که افراد را از

دست‌درازی به اموال دیگران منع و متجاوزان را مجازات کند. پس سازوکار بازار دست‌کم به حقوق خصوصی و حقوق جزا نیاز دارد تا بتواند بر اساس عرضه و تقاضا حرکت کند.

آنچه موجب شده که در نیم قرن گذشته ارتباط حقوق و اقتصاد به شدت مورد توجه محافل سیاسی، اقتصادی و حقوقی قرار گیرد، تأثیری است که حقوق می‌تواند بر رفتارهای اقتصادی افراد و بنگاه‌ها داشته باشد. مثلاً حقوق این توانایی را دارد که شرایط را برای بازیگران بازار (تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان) سخت یا آسان کند، یا آن‌ها را از انجام دادن برخی از فعالیت‌های اقتصادی منع یا بدان اجبار کند یا آن‌ها را مورد تشویق یا تنبیه قرار دهد.

در صد سال گذشته جهان شاهد استفاده گسترده از ابزارهای حقوقی برای نیل به اهداف کلان اقتصادی بوده است. حکومت‌ها به منظور توسعه اقتصادی، خودکفایی، ایجاد فرصت‌های شغلی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، برقراری عدالت اجتماعی، رفع محرومیت از مناطق کمتر برخوردار و حتی حفظ امنیت داخلی و خارجی، به طور گسترده از ظرفیت‌های حقوقی بهره گرفته‌اند و قوانین و مقررات اقتصادی متعددی را وضع کرده‌اند.

استفاده گسترده از ابزارهای حقوقی برای نیل به اهداف اقتصادی موجب شده است که دو شاخه جدید به مطالعات حقوقی اضافه شود. شاخه اول که بیشتر جنبه حقوقی دارد ولی به بررسی‌های اقتصادی نیاز دارد، اصول، قواعد، قوانین، مقررات و ضوابطی است که با عنوان «حقوق اقتصادی» مطالعه می‌شود. در این شاخه، سیاست‌گذاری، قانونگذاری، مقررات‌گذاری و تنظیم‌گری در حوزه فعالیت‌های اقتصادی بررسی و مطالعه می‌شود. برای ارزیابی اقتصادی این قوانین و مقررات و کارایی آن‌ها در نیل به اهداف مورد نظر، این شاخه از حقوق به مطالعات و نظریه‌های اقتصادی نیاز دارد. شاخه دوم که بیشتر جنبه اقتصادی دارد، استفاده از نظریه‌های اقتصادی در تحلیل قواعد حقوقی از جمله قواعد حقوق اقتصادی است که با عنوان «حقوق و اقتصاد» مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

همان‌طور که از عنوان کتاب برمی‌آید، عمده مطالب آن بر شاخه اول متمرکز شده است. مباحث کتاب در دو بخش عمده سازماندهی شده است. در بخش اول که مشتمل

بر فصل‌های اول تا پنجم است، مباحث نظری و کلی حقوق اقتصادی مطرح شده است. در فصل اول، نقش حقوق در نظم‌دهی، تسهیل و مهار کردن فعالیت‌های اقتصادی بررسی شده و مفهوم حقوق اقتصادی و جایگاه آن میان سایر شاخه‌های مرتبط حقوقی مورد مطالعه قرار گرفته است.

تأثیر حقوق اقتصادی بین‌المللی بر حقوق اقتصادی کشورها در فصل دوم بررسی می‌شود. در این فصل همچنین وابستگی متقابل اقتصادی کشورها به یکدیگر و نقشی که سازمان‌های بین‌المللی بر محتوای حقوق اقتصادی کشورها دارند مطالعه و رقابت در قانونگذاری و مقررگذاری بحث می‌شود.

با توجه به تأثیرات متقابل حقوق اقتصادی و تحلیل اقتصادی حقوق، فصل سوم کتاب به مطالعه «حقوق و اقتصاد» اختصاص یافته که بیان‌کننده تحلیل اقتصادی حقوق است. هرچند مطالعات حقوق و اقتصاد به بررسی قوانین اقتصادی منحصر نمی‌شود، ولی یکی از محورهای اصلی آن قوانین و مقررات اقتصادی و کارایی آن‌هاست. تحلیل اقتصادی قوانین و مقررات به دولت کمک می‌کند که از نتایج قوانین و مقررات اطلاع یابد و برای اصلاح یا رفع آن اقدام کند.

از آنجا که ماهیت و نوع قوانین و مقررات اقتصادی تا حد زیادی به میزان و نوع مداخله حکومت در امور اقتصادی بستگی دارد، در فصل چهارم میزان و نوع مداخله دولت در فعالیت‌های اقتصادی از نگاه مکاتب اقتصادی بررسی و نحوه بروز حقوق اقتصادی در هر یک از این مکاتب بیان شده است. در ادامه، در فصل پنجم به دلایل مداخله حکومت در اقتصاد پرداخته شده است. بخشی از دخالت‌ها برای جبران و تصحیح ناکارآمدی بازار یا شکست بازار است. اما بخش بزرگی جنبه اقتصادی ندارد و برای مقاصد اجتماعی، رفاهی، رفع تبعیضات و ایجاد عدالت اجتماعی است. بخشی نیز از سر دلسوزی و ناشی از حس پدرمآبی است که در دولت‌ها وجود دارد.

بخش دوم کتاب شامل فصل‌های ششم تا یازدهم عمدتاً بر حقوق اقتصادی در ایران تمرکز دارد. بر این اساس در فصل ششم نظام اقتصادی اسلام و سپس در فصل هفتم نظام اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان دو منبع بنیادی حقوق اقتصادی ایران بررسی شده است. در ادامه با تجزیه و تحلیل قوانین و مقررات اقتصادی ایران، خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی در فصل هشتم، حقوق شرکت‌های

دولتی در فصل نهم، حقوق قراردادهای دولتی در فصل دهم و حقوق رقابت در فصل یازدهم مورد بررسی قرار گرفته است.

در آخرین فصل کتاب نیز به عنوان اختتام و جمع‌بندی، مقررہ‌گذاری و تنظیم‌گری با تأکید بر حقوق ایران بررسی شده است. در این فصل همچنین از تنظیم‌گری بخشی، دولت تنظیم‌گر، خودتنظیمی و معیارهای تنظیم‌گری خوب صحبت می‌شود.

به دلیل پیچیدگی و به هم‌تنیده بودن مباحث حقوق اقتصادی، مطالب هر بخش از کتاب مطالب بخش‌های دیگر را تکمیل می‌کند و بنابراین پس از مطالعه تمام کتاب نظر کامل نویسنده قابل دریافت است.